



ملت کار را تمام می کند

محمدجواد حاج علی اکبری، امام جمعه موقت تهران در خطبه‌های این هفته نماز جمعه گفت: «این انتخابات نعمت اسلام و شهدا و انقلاب اسلامی است که در دسترس ملت قرار گرفته است و انشاءالله این شکر برکات فراوانی خواهد داشت. امروز روز حماسه سیاسی ملت ایران، روز بصیرت، روز پیمان با امام عصر و ولی فقیه زمان و تجدید پیمان با خون‌های شهدا و نشان حیات سیاسی ملت ما و روز مردم است. زمینه برای یک انتخاب امن و رقابتی فراهم شد. امروز ملت ما با حضور خودشان کار را تمام خواهند کرد.» او ادامه داد: «ملت امروز کار خود را انجام می‌دهد و فردا کشور رئیس جمهور خود را می‌شناسد. هر کس انتخاب شود رئیس جمهور همه ملت ایران است و بعد از تنفیذ و نصب امام مسلمین سکاندار دستگاه اجرایی کشور می‌شود فردا جشن همبستگی ملی ما و آغاز رفاقت‌های تازه برای خدمت به ملت و تحقق آرمان است.»



از فردا رقابت به رفاقت تبدیل شود

سیدحسن عاملی، امام جمعه اردبیل در خطبه‌های نماز جمعه این هفته گفت: «فردای انتخابات باید اولاً همه رقابت‌ها به رفاقت تبدیل شود، ثانیاً باید همه حول منتخب جمع بشویم و نهایت همکاری را با او داشته باشیم، هرگونه اختلاف و شقاق در این باب گناه کبیره و برآورده ساختن آرزوی دشمن است. مسئولان ارشد نظام دقت کنند که بعد از هر انتخابات کنار گذاشتن جناح مغلوب از بدنه اجرایی کشور یک خسارت عظیم است، در این باب جناح برنده به هیچ وجه حاضر به همکاری نمی‌شود و می‌گوید کسانی که برای من کار کرده‌اند باید از آنها استفاده کنم و الا در انتخابات آینده باختام.» او ادامه داد: «مجلس باید در صورت لزوم مجمع تشخیص مصلحت باید وارد ماجرا شوند، در هر دو جناح افراد مجرب، کارشناس و نخبه مدیریتی وجود دارد، خانه‌نشین شدن چهار سال آنها اصلاً به صلاح کشور نیست. همه توجه کنند هم انتخابات و هم جدی بودن انتخابات و هم مناظره همه امتیاز بزرگ برای جمهوری اسلامی است، در زمان شاه از این‌ها خبری نبود.»



آنها که رای ندادند مخالف نظام نیستند

سیدنصیر حسینی، امام جمعه یاسوج در خطبه‌های این هفته نماز جمعه گفت: «مردم سالاری دینی با حضور حداکثری مردم در پای صندوق‌های رای تحقق یافته و هر رای یک فرد ایرانی می‌تواند با حضور خود در انتخابات به اقتدار انقلاب و نظام اسلامی کمک کند.» او ادامه داد: «آنهاهی که رای ندادند گرچه نسبت به وضعیت معیشتی خود اعتراض دارند اما اینها افراد مخالف این نظام نیستند چراکه همین مردم بودند که برای دفاع از وطن از جان خود گذشتند و خود را برای آن هزینه کردند.»

مباحثه محمدهادی همایون و بشیر معتمدی درباره آزادی بیان و تجربه‌ای که نظام سیاسی در قبال حقوق شهروندان از سر گذرانده است

تندروی‌ها بی‌برنامگی‌ها



اندیشه
سیاسی



پریسا هاشمی
خبرنگار گروه سیاست

نشستی با موضوع «آزادی بیان، گفتاری پیرامون سیاست آزادی‌های اجتماعی» از سوی خانه اندیشه‌ورزان و در برنامه «خط ایران» برگزار شد که مهمانان این برنامه محمدهادی همایون، استاد گروه فرهنگ و تمدن دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق و بشیر معتمدی، استادیار گروه ارتباطات فرهنگ و سیاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در این نشست به بررسی تنازع آرا درباره آزادی بیان پرداختند که در زیر آمده است:

با توجه به نگاه و تصویری که از فرهنگ آزادی در ایران دارید، مردم چه نگرشی به آن دارند؟

محمدهادی همایون: کلیدواژه «آزادی» را موضوع مناسبی برای پرداختن به بحث فرهنگ می‌دانم. ابتدا باید ببینیم که غرب یک روایت، قرائت و تعریف خاصی از آزادی ارائه می‌کند و این آزادی نیز مانند تمام مفاهیم دیگر فارغ از جریان مبدأ و معاد است. به این دلیل نمی‌تواند یک تمدن مستقر عمیق بسازد. در شرایط کنونی نیز در فشار قرار گرفته و این ضعف هویدا شده است. برای مثال در موضوع جنگ غزه مشقت غرب به خوبی باز شده است و در خیلی از موارد می‌توان به این مسئله به‌طور مصداقی نگاه کرد.

فازخ از تاریخ غرب معاصر، جمهوری اسلامی چه مواجهه‌ای با مسئله آزادی داشته است؟

بشیر معتمدی: ما از قبل از مشروطه و پیش از صدسال است که درگیر پدیده‌ای به نام مدرنیته شده‌ایم که مفاهیم جدیدی را وارد ادبیات فکری جامعه کرده و یکی از نمونه‌های آن «آزادی» است. بحث حقوق بشر، دموکراسی و مفاهیمی شبیه به آن نیز جزو این مفاهیم است. مواجهه جامعه با این پدیده‌ها متفاوت است. یکی از این مواجهه‌ها پذیرش کامل نسخه تمدن غرب است. به این معنا که باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شویم و اگر بخواهیم پیشرفت کنیم، باید سنت‌های خودمان را کنار بگذاریم؛ اتفاقی که در ترکیه صورت گرفت و بعد رضاخان درصد اجرا کردن آن بود. مواجهه دیگر این است که به هر طریق سنت حفظ شود و از اساس با مفاهیم مدرن مخالفت گردد. یکی از نمایندگان جدی این مواجهه در ۱۰۰ سال اخیر شیخ فضل‌الله نوری بود. ابتدا با مشروطه موافقت کرد اما به دلیل دیدگاه‌هایش از اساس این مفاهیم مخالفت کرده و اعلام می‌کند که این مسائل باعث تضعیف دین شده است، با مدارس دخترانه مخالفت می‌کند، می‌گوید که اصلاً آزادی یک کلمه باطل است و حتی جایی خواندم که می‌گوید بنای قرآن بر آزاد نبودن قلم و لسان است. یعنی اساساً آزادی بیان را نفی می‌کند.

علاوه بر دو دسته‌ای که شما به آن اشاره کردید، دسته سوم هم احتمالاً با حفظ سنت به مدرنیته پرداخته‌اند.

معتمدی: در طیف سوم نیز با دو دسته روبرو هستیم؛ عده‌ای که معتقدند دین باید در مدرنیته حذف شود و در واقع چارچوب‌های کلی در آن حفظ شده اما هضم دین باید با مدرنیته تطابق پیدا کند. دکتر سروش به تطابق اندیشه‌های دینی با مدرنیته پرداخته است. یک رویکرد متفاوت در مقابل این نگاه وجود دارد و افرادی مانند مطهری یا بهشتی و امام(ره) به آن اعتقاد دارند. آنها معتقدند؛ عناصر مدرن را تا جایی می‌پذیریم و قبول داریم که با مبانی دینی تضادی نداشته باشد. در نتیجه مدرنیته را نفی نمی‌کنند و بر این باورند که باید دین را از سنت‌ها و خرافاتی دور و آن را احیا کرد. چهره‌هایی مانند شریعتی و حتی بازگان در این دسته قرار

می‌گیرند. معتقدم در انقلاب اسلامی این نگاه بود که پیروز شد و شکل گرفت و مردم دنبال این نگاه بودند. این نگاه به نوعی آشتی بین سنت و مدرنیته و در عین حال احیای دین حقیقی است، نه دینی که دچار خرافات و سنت‌های غلط شده و با وجود این نگاه بود که انقلاب اسلامی توانست افشار مختلف به‌ویژه قشر متوسط - که به دنبال آزادی و توسعه همراه با نگاه دینی بودند - را جذب کند. البته این مفاهیم در طول زمان دچار مشکل شده است و به نگاهی متجزانه برگشتیم که این مفاهیم را نمی‌پذیرد و این انحراف از انقلاب اسلامی است.

از چه زمانی درگیر این مسئله شدیم؟

معتمدی: قبل از ۱۴۰۰ چرا که نماد این تفکر را آقای مصباح می‌دانم. آقای مصباح نماد تفکری است که اساساً مفاهیم مدرنی مانند آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و... را به‌هیچ‌وجه قبول نداشته و آنها را نفی می‌کند. او در برهه‌هایی کنار کشیده و در مواردی با امام مخالفت می‌کرد و در زمان حیات امام(ره) نیز زیاد فعال نبود اما پس از رحلت امام(ره) فعال و مدعی انقلاب شد. در چارچوب‌های انتخاباتی نیز جلیلی نماینده این تفکر بوده و معتقد است که باید کشور را با همان نگاه پیش ببریم.

شما مصباح را شیخ فضل‌الله امروز تصویر می‌کنید؟

معتمدی: بله، بسیار شبیه به هم هستند. او را می‌توان نماینده این جریان دانست.

همایون: به نظر من در حال ترویج یک اشتباه بزرگ هستیم و آن هم دوگانه‌سازی‌های مصنوعی است. دعوی سنت و مدرنیته حتماً در یک دوره‌ای جدی مطرح بوده است اما نه بعد از آن. نمونه آن شیخ فضل‌الله است که در چارچوب دعوی سنت و مدرنیته ترجمه شد. امروز هنوز بعضی در تحلیل تاریخی خود اینطور صحبت می‌کنند. اما اساساً مسئله در آن دوره برای شیخ فضل‌الله مسئله سنت و مدرنیته نبود. این ماجرا را باید در فتوای تنباکو دید. شاید ما اگر آن روز فتوای تحریک تنباکو را می‌توانستیم مثل امام(ره) پیگیری و مقاومت کنیم همان روز کار به اتمام رسیده بود. ما نقطه قوت خود را نشان دادیم و بعد کنار کشیدیم و آنقدر قدرت نداشتیم که مانند زمان انقلاب پیش برویم. مشروطه در چنین چارچوبی قابل تعریف شده، بنابراین مخالفت‌های شیخ فضل‌الله هم باید در این چارچوب دیده شود. در آن زمان نهفتی با بلندگو، بعد رادیو و... مقابله کرده نه به دلیل مدرن بودنش. پرسش جدی این است که به سنت‌ها بیایند باشیم یا وارد امر مدرن شویم؟ ممکن است این نگاه‌ها در آن زمان هم وجود داشته و حتی نگرش شیخ فضل‌الله بوده است. مشهورترین اصطلاح شیخ فضل‌الله «مشروطه مشروعه به معنای حفظ شریعت» است. مخالفت‌های شیخ فضل‌الله به دلیل شریعت و فهمیده نشدن حرفش بود که او را به اعدام کشاند. همین اتفاقی که به‌نظرم امروز در حال اتفاق افتادن است. ما شلوغ می‌کنیم و نمی‌گذاریم دوگانه واقعی دیده شود. دعوی شیخ فضل‌الله که به قول شما دعوی اسلام و غرب بود اما به‌نظم من دعوی حق و باطل بود. این مسئله به دعوی مدرنیته و سنت تنزل پیدا کرده در حالی که سنت‌گراها افراد دیگری در تاریخ هستند.

به نظر شما مصباحین هم مانند شیخ فضل‌الله درک نشدند؟

همایون: امام(ره) اندیشه سومی را ایجاد کرد که جزو نقاط قوت ماست. اندیشه انقلاب اسلامی به شدت معنای مثبت یک اندیشه مدرن بود و راهی بین دعوی سنت و مدرنیته باز کرد. اندیشه شیعه انقلابی به‌دنبال وحدت با دیگر کشورهای جهان و تمدن اسلامی ایجاد کرد و ایجاد یک گستره بسیار بزرگ بود. در این مسئله مشترک هستیم که این اندیشه کاملاً روشنفکرانه بود. اندیشه روشن واقعی این بود و در عین حال می‌دانیم تمام نوآوری امام(ره) و تغییراتی که ایجاد کرد در چارچوب این فقه مصلح ما نبود. در

آن زمان شخصیت‌هایی مثل شهید مطهری و شهید بهشتی و... اندیشمندانی بودند در کنار امام(ره). فردی مانند رهبری که ایشان را شاگرد مکتب امام می‌دانیم آقای مصباح را مطهری دوم می‌دانند. اشتباه این است که شهید مطهری را در پنجاه سال پیش محصور کردیم و همان حرف‌های کارگشای آن دوره را هنوز با کتاب‌های شهید مطهری پیش می‌بریم. اگر شهید مطهری بود در فتنه ۸۸ چه وضعی می‌گرفت؟ به هر حال روشن‌فکری دینی به معنای تقید به شریعت، امر بسیار دوری از انقلاب اسلامی ما نیست. این در عمق وجود انقلاب اسلامی ماست. امروزه برخی از مواردی که در مشروطه با آن مشکل داشتیم را مجدداً وارد کردیم. از منظر اندیشه‌ای به‌نظرم جلیلی از همان نسل انقلابی هستند که امام(ره) فرمودند: «طرفدارهای من در گهواره هستند». و یعنی همان دهه‌چله‌هایی که حرف امام را خیلی خالص گرفتند. دیدگاه‌های اندیشه‌ای ما به چیزهای دیگری آمیخته شده است. نسل دهه چهل حرف امام(ره) را خوب فهمید. آن نسل دهه چهل اکنون به‌نظرم در سنی است که می‌خواهد در این عرصه حرف‌های امام(ره) را خلاص به دور از نگاه‌های سنتی یا نگاه‌های مدرن ترجمه کند. بنابراین می‌توانم بگویم که شیخ فضل‌الله و مرحوم مصباح در زمانه خود شناخته نشدند.

اندیشه‌ای که شما نمایندگی آن را دارید چه نگاهی به آزادی در رسانه دارد؟

معتمدی: اسلام رویکردهایی جدی دارد که باید به‌سراغ آن برویم. می‌توان در اسلام نگاه‌های جدیدی را ایجاد کرد که براساس آن بتوانیم تمدن اسلامی را شکل بدهیم. اما در این میان نمی‌توان گفت که رویکرد غرب کاملاً مشکل دارد بلکه از نکات مثبت آن هم باید بهره برد. در حقیقت با رویکرد عدالت‌محوری که اسلام دارد می‌شود علم جدیدی ایجاد کند. جمهوری اسلامی این الگو را نداشته است. ما هر کسی کمی حرف مخالف می‌زند با ادعای تشویش اذهان عمومی محکوم می‌شود. با مطرح شدن تشویش اذهان عمومی یا مخالفت با امنیت ملی افراد زندانی می‌شوند و زندان‌ها [....] پر است؛ آن‌هم به دلیل این‌که فقط خلاف نگاه ما را دارند. ابتدای انقلاب مطهری دو، سه سخنرانی دارد و می‌گوید: «من اعلام خطر می‌کنم. انقلابیونی که آمدند، احساس نکنند با جلوگیری از این افکار می‌توانند انقلاب را حفظ کنند، این به ضرر اسلام و انقلاب اسلامی است. بلکه با آزادی می‌توانند از انقلاب اسلامی و اسلام دفاع کنند». مطهری هشدار می‌دهد عده‌ای فکر نکنند با جلوگیری از ارائه تفکر از ارائه تفکرها به اسلام کمک می‌کنیم و ما متأسفانه این مسیر را اشتباه رفتیم. روزبه‌روز هم وضعیت بدتر می‌شود. معتقدم که باید به اصالت‌های انقلاب اسلامی برگردیم. در یک سال اخیر واقعاً دانشگاه‌ها خفه و جلوی رشد آن گرفته شده است. به واسطه اعتراضات چقدر استاد اخراج کردند؟ با کسانی که خوش فکر و صاحب‌نظر بودند، برخورد شده است. در حالی که تنها زمان اعتراضات اظهار نظر کرده‌اند و حتی به خیابان هم نیامده‌اند. در محیط دانشگاه اساتید اجازه حرف زدن ندارند و می‌ترسند.

آزادی رسانه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همایون: ما با تعارضی جدی روبرو هستیم. ما درباره بخشی از تاریخی در انقلاب اسلامی صحبت می‌کنیم که قسمت عمده آن در اختیار این گروهی است که اکنون منتقد مدعی هستند. متأسفانه از همان روز اولی که این خط‌بازی و جناح‌بندی‌ها به نام جریان چپ و راست و غیره شروع شد، همیشه جناح چپ را به تندروی می‌شناختیم. بسیاری از این نوع رفتارها متعلق به زمان این افراد است. دولت آقای میرحسین موسوی و سیاست‌گذاری‌ها، بخشنامه‌ها و رفتارهایشان را یادمان نرفته است. حجم شکایت‌های آقای روحانی از اصحاب رسانه و... در تاریخ انقلاب بی‌سابقه است. اما رئیسی واقعاً دولت انقلاب اسلامی بود. چه کسی نگاه امنیتی